

محمدجواد صاحبی

سیر تحول مقتل نگاری

بسم الله الرحمن الرحیم

سیر تحول مقتل نگاری

نویسنده:

محمد جواد صاحبی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سیر تحول مقتل نگاری

مشخصات کتاب

نویسنده : محمد جواد صاحبی

ناشر : محمد جواد صاحبی

چکیده

نقل و نگارش سرگذشت شهیدان کربلا ـ فصل نوینی را در تاریخ با عنوان مقتل نگاری رقم زد. اولین راویان واقعه کربلا بازماندگان خاندان امام حسین علیه السلام بودند و پس از آن، گروهی از سپاه یزید. آنچه راویان گفتند، کم و بیش در کتاب های مقتل به نگارش درآمد. کتاب های مقاتل بسیاری نگاشته شده که ابو مخنف، خوارزمی و ابن اعثم کوفی و دیگران قدیمی ترین آنها را نگاشته اند.در این نوشتار پس از معرفی اولین مقتل نگاران و بیان شیوه آنها (مقتل نگاری مستند)، به معرفی دیگر مقتل نگارانی که در نگاشته های خود نقل و احساس را با هم آمیخته، ترکیبی از آن دو را در کتب خود عرضه کردند، پرداخته شده است. و در پی آن گفته آمده که دو شیوه پیشین مقتل نگاری از قرن سیزدهم به بعد پا به پای هم به پیش رفت و نمونه هایی از هر دو شیوه یافت می شود.خاتمه نوشتار به بحثی درباره تعارض تحریف گرایی و تاریخ نگاری اختصاص دارد.کلیدواژه ها: حماسه کربلا، راویان کربلا، مقتل نگاری، مستندنگاری، تحریف تاریخ.

واقعه ای بی همتا

ملّت های رشید، همواره یاد قهرمانان ملّی و مفاخر علمی و دینی خود را بزرگ می شمارند. بناهای یادبود، زندگی نامه ها، نمادها، مجسّمه ها، همگی حکایت از میل درونی بشر به ستایش از انسان های برتر دارد. این میل به ستایش والایی ها، که از فطرت کمال جوی انسان سرچشمه می گیرد، او را وا می دارد تا در برابر عظمت ها سر فرود آورد و خاضعانه آنها را تکریم نماید.از این رو، بزرگداشت افتخار آفرینان در هر قوم و ملّتی امری طبیعی به نظر می رسد. این مسئله در ملل فرهیخته ای که از ذوق و احساسات نیرومندتری برخوردار هستند، در شعر و ادب آنها تجلّی می یابد و مجموعه های فخیم و

عظیم و تأثیرگذاری را به یادگار می گذارد. امّا آنچه که درباره نهضت حسینی و واقعه جان گداز عاشورا اتفاق افتاده است، به دلیل ویژگی های منحصر به فرد، کیفیتی یکّه و ممتاز داشته است. چون این واقعه نه یک نبرد، حماسه و داستان غم انگیز (تراژدی) بلکه یک رخداد بی مانند در تاریخ بوده است.بی اغراق می توان گفت که نه پیش از عاشورا و نه پس از آن، حادثه ای با این ویژگی ها هرگز به وقوع نپیوسته است؛ زیرا عدّه ای مسلمان یکی از عزیزترین نوادگان پیامبر صلی الله علیه وآله را با اصرار و سماجت بسیار دعوت کرده بودند و او دعوت آنان اجابت فرمود. امّا آن نامرد مردم به جای استقبال، در بیابان راه را بر او بسته و برادران و فرزندان و برادرزادگان و یاران و کودکانش را به فجیع ترین شکل با لب تشنه و شکم گرسنه به شهادت رساندند و زنان خاندانش را اسیر و حتّی بر پیکر بی جان آنها، اسب تاختند.این فاجعه، آن قدر نادر و شگفت انگیز بوده است که عاملان آن، پس از فراغت و دوری از صحنه جنایت، از کرده خویش پشیمان و انگشت حیرت به دندان گرفته اند. چنان که شبث بن ربعی در زمان حکومت مصعب بن زبیر چنین بود. [۱] .برخی از مورّخان به دلیل هولناکی و دهشت انگیزی آن، حتّی توان بیان آن را نداشته اند؛ [۲] به همین جهت بوده است که نقل و نگارش سرگذشت شهیدان کربلا یکّه و بی همتا مانده و دانشی به عنوان «مقتل نگاری» را به دنبال داشته است. البته تأکید اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله بر پاسداشت نام و یاد این واقعه، بسیار مؤثّر

بوده است.احادیث دقیق و روشنگری درباره ابعاد این رویداد تاریخی، از اولیای معصوم علیهم السلام به تواتر رسیده است؛ چه آن که علاوه بر اهمیّت موضوع، حضور امام زین العابدین علیه السـلام در آن و مشاهده حوادث و وقایع از آغاز تا به انجام، به اعتبار اسناد، افزوده است.

باز ماندگان، نخستین راویان

امـام زین العابـدین علیه السـلام - که در آن زمان، گویا حـدود بیست و سه سال داشت - از آغاز حرکت و نهضت حسـینی با امام همراه بوده و در وقایع کربلا تا به انجام حضور داشـته است. او پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یاران بزرگوارش، به اسـارت دشـمن درآمـد و رهـبری نهضت را عهـده دار بوده است. گرچه دربـاره وقـایع طول مسیر از مـدینه تـا کربلا، هیچ گزارشـی از وی نرسیده، ولی از شب عاشورا به بعد روایات متعدّدی از آن حضرت در کتاب های حدیثی و تاریخی ثبت شده که بسـیار حـائز اهمیّت است.فرزنـد ایشـان امـام بـاقر علیه السـلام که گویا کودکی سه و یا چهار ساله بوده - نیز در آن واقعه، حضور داشـته است.از فرزندان امام حسن علیه السلام چند نفر در کاروان حسینی بوده اند که برخی به شهادت رسیده و بعضی اسـیر شده اند؛ مانند عمرو بن حسن که در تاریخ ثبت شده است. [۳] .فرزند دیگر امام حسن علیه السـلام به نام حسن مکنّی به ابو محمّد و معروف به حسن مثنّی و داماد امام حسـین علیه السلام [۴] نیز در سراسـر نهضت حضور داشت. وی در روز عاشورا همانند دیگر افراد بنی هاشم با دشمن مبارزه کرد و حتّی در برابر تیر اندازان اشقیا، خود را سپر امام حسین علیه السلام

قرار داد و هفـده نفر را به هلاکت رساند. او آن اندازه مقاومت کرد که پیکرش زخم های کاریِ بسـیار برداشت و کم رمق در میـان کشـتگان افتاد به طوری که دشـمنان گمان کردنـد که او به شـهادت رسـیده است. [۵] .پس از شـهادت سیّدالشـهدا علیه السـلام دشمنان آمدند تا سرهای شهیدان را از تن جدا کنند؛ امّا حسن را زنده یافتند. اسماء بن خارجه، دایی او حاضر بود و به دیگران گفت: او پسـر خواهر من است؛ وی را به من وانهیـد. اگر ابن زیـاد او را به من بخشـید، چه بهتر وگرنه خودش دربـاره حسن تصـمیم بگیرد. اسـماء، او را با خود به کوفه برد. این خبر به عبیداللّه رسید. چون اسماء از اشراف کوفه و رئیس قبیله بنی فزاره بود، ابن زیاد مصـلحت اندیشـی کرد و گفت: پسـر خواهر ابو احسان را به او واگذاریـد. اسـماء، حسن را معالجه و مداوا کرد تـا بهبود یـافت و سـپس به مـدینه فرسـتاد.برخی از نویسـندگان دربـاره نسـبت حسن مثنّی با اسـماء بن خارجه در ذیل این روایت نوشـته اند: چون مادر حسن مثنّی از قبیله اسـماء بن خارجه بود، به رسم عرب، اسـماء، خود را دایی حسن نامید. [۶] .از اهـل بیت امـام حسـین علیه السـلام زنان و مردان دیگری، شاهـد وقایع نهضت و حوادث روز عاشورا و پس از آن بوده انـد؛ از جمله خواهران، همسـران، فرزندان سیّدالشـهدا علیه السـلام و بسـتگان برخی از شهیدان که به اسارت دشمن در آمده بودند.از خانـدان و بازماندگان شـهیدان که بگذریم؛ برخی مبارزان نیز بنا به عللی که در تاریخ آمده است از معرکه نجات یافته که نام افراد ذیل در

منـابع آمـده است:غلامِ عبـد الرحمان بن عبـد ربّه انصاری خزرجی، از جمله کسانی است که از حادثه عاشورا جان سالم به در برده است. هر چنـد از نـام و سـر گذشت وی، اطّلاعی در دست نیست؛ ولی نوشـته انـد به همراه مولای خود، عبـد الرحمان در کربلاـ بوده و برخی وقـایع را گزارش کرده است. [۷] .عُقبه بن سَـِمعان که از آغـاز تا به انجام، همراه امام حسـین علیه السـلام بوده و در روز عاشورا به اسارت سپاه ابن زیاد در آمـده است. [۸] عقبه به دلیل آن که از مـدینه تا کربلا تا آخرین لحظات به امـام حسـین علیه السـلام نزدیـک بـوده است، روایـات دقیـق و متعـدّدی را از حـوادث نهضت و مقتـل امـام حسـین نقـل کرده است.برخی از «طرماح» نیز به عنوان یکی از بازماندگان اصحاب امام حسین علیه السلام نام برده اند که روایاتی از او در کتاب هـای تـاریخی، نقـل شـده است.ابـو موسـی موقع بن ثمـامه اسـدی نیز در سـپاه امـام حسـین علیه السـلام حضور فعّـِال داشـته از بازماندگان حادثه عاشورا به شـمار رفته که گویا بستگانش او را از اسارت نجات داده و با خود به کوفه برده اند. [۹] .ضَحّاک بن عبداللّه مشـرقی همدانی نیز از کسانی است که از میانه راه، با امام همراه گردید و طبق عهدی که با آن حضـرت بسته بود تا لحظات آخرین در سپاه آن بزرگوار، به نبرد با یزیدیان پرداخت و سـرانجام با زمینه ای که فراهم آورده بود، از چنگ دشـمن گریخت. او سـال هـا پس از واقعه عاشورا زیست و روایتگر وقایع عاشورا گردیـد. بخش قابل توجّهی از روایات ابو مخنف که در تاریخ طبری ماندگار شده است،

از زبان اوست.افزون بر اینها، از سپاه اشقیا هم اشخاصی چون حمید بن مسلم، شَبَث بن رِبعی و دیگران به سبب تنبّه و عذاب وجدان و یا به جهت تفاخر و کسب جاه و مال، روایتگر برخی از رویدادها بوده اند.

نخستین مقتل نگاران

خوشبختانه برخی روایات این راویان در همان سده نخست با دقّت، ثبت و ضبط شده و شمار قابل توجّهی از آنها به روایت ابو مخنف اینک به ما رسیده است. بجاست درباره این روایتگر واقعه عاشورا که مقتل او از اشتهار ویژه ای برخوردار است، توضیحاتی ارائه شود.ابو مخنف لوط بن یحیی اَزدی غامدی (م ۱۵۷ ق) از اصحاب ائمه علیهم السلام از جمله امام صادق علیه السلام بوده [۱۰] و از آن حضرت، روایت نقل می کرده است. [۱۱] .پدرش یحیی از یاران امیر مؤمنان علی علیه السلام و جدّش مخنف بن سلیم (سلیمه) ازدی، جزو اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله و یاران امام علی علیه السلام به شمار می رفته و در عهد خلافت آن حضرت عامل وی در اصفهان و همدان بوده است. [۱۲] .مخنف در جنگ جمل، علمداری قبیله ازد را به عهده داشت و در آن جنگ، خود [۱۳] و دو برادرش به شهادت رسیدند. [۱۴] .ابو مخنف، محدّثی مورد اعتماد و وثوق بوده و به گفته ابن ندیم: «علما عقیده دارند که او از دیگران در امر عراق و اخبار و فتوح، آشنایی بیشتر دارد». [۱۵] .کتاب های او – که بیشتر در شرح حوادث عصر امام علی علیه السلام و نقل رویدادهای مربوط به مقتل امام حسین علیه السلام بوده – از میان رفته است؛ ولی روایات کتاب مقتل الحسین علیه السلام به

کتاب های تاریخی راه یافته است. بخش قابل توجّهی از آنها را طبری در کتاب تاریخ الاُمم و الملوک با ذکر دقیق اسناد، نقل کرده و از این طریق مورد استناد مؤلّفان دیگر قرار گرفته است.بخش عمده ای از روایات یاد شده، در آثار ابو الفرج اصفهانی، شیخ مفید، مُسکویه رازی، ابو حنیفه دینوری، بلاذُری و ابن اثیر، نقل گردیده است. البته آنها مأخذ روایات خود را نام نبرده اند؛ ولی با توجّه به وحدت نقل ها و حتّی عبارت ها - که در بیشتر کتاب های یاد شده دیده می شود - گمان می رود که مصدر برخی از آنها تاریخ طبری و برخی دیگر اصل کتاب مقتل الحسین ابو مخنف باشد.به هر حال روایات ابو مخنف با ذکر اسامی راویان با یک و یا دو واسطه، به شاهدان عینی می رسد. اثر او نیز حدود شصت و یا هفتاد سال پس از واقعه عاشورا، نگاشته شده که به طور طبیعی خاطرات و حوادث آن رویداد بزرگ هنوز بر زبان مردم جاری و از آن گفت و گو می شده است از این جهت شاید کمتر اثری مانند آن در تاریخ نگاری یافت شود.بعضی گفته اند: اصبغ بن نباته از یاران خاصّ امام علی علیه السلام کتابی به نام «مقتل الحسین» را درباره واقعه عاشورا و مقتل حضرت سیّدالشهدا گرد آورده است؛ ولی هیچ اثری از کتاب او موجود نیست و مورّخان بعدی نیز روایتی از وی در این زمینه نام نبرده اند.«مقتل الحسین» اثر هشام کلبی، از شاگردان امام صادق علیه السلام هم گویا از بین رفته، و به جز روایاتی چند - که از آن در کتاب های بعدی راه یافته - نشانه دیگری به

جای نمانده است.معاصر این بزرگواران، از کسان دیگر همچون جابر جعفی درگذشته سال ۱۲۸ قمری به عنوان مقتل نگار یاد شـده است؛ امّـا جز نـام، چیزی از او در آثـار پسـین دیـده نمی شود.همین نـام هـا، نشان از اهمیّت موضوع و اهتمام ائمه علیهم السـلام، صـحابه، تابعان، راویان، محدّثان و مورّخان مسلمان، بر حفظ و ضبط درست این واقعه داشته است.البتّه به موازات این تلاش هـا - که برای حراست از تاریـخ و پیـام نهضت حسـینی صورت می گرفته است - حزب امویان و حکّام فاسـد و مسـتبدّ پسـین در امحـای این اسـناد و تحریف آنهـا، بسـیار جدّی و کوشـا بوده انـد. به همین جهت بسـیاری از این مکتوبات در قرون نخستین، از بین رفته و کمتر اثری از آنها به یادگار مانده است. در عین حال آن مقدار از احادیث صحیح که در جوامع حدیثی در این باره به میراث رسـیده است، قابل توجّه و به دور از ابهام می باشد.در کنار این متون تاریخی و روایی دقیق، برخی کتاب های دیگر وجود دارد که بدون ذکر سـند، روایاتی را نقل کرده اند. جالب آن که نوعی وحدت رویّه نیز، در این دسته از آثار مشاهده می شود و حاوی برخی وقایعی هسـتند که البتّه در کتب دسـته پیشین دیده نمی شود. این گمان را تقویت می کند که اینها نیز سرچشـمه واحدی داشـته و از یک متن خاص، متأثّر شده باشـند. چنان که میان مطالب کتاب امالی، اثر محمّد بن علی بن بابویه معروف به «صـدوق» درگذشـته سال ۳۸۱ قمری [۱۶] ، و کتـاب الفتوح اثر ابو محمّـد احمـد بن علی معروف به «ابن اعثم کوفی» محدّث، شاعر و مورّخ شیعی (م ۳۲۴ ق) [۱۷] ، هم

سازی بسیاری دیده می شود.البته نوشته اند که شیخ صدوق کتابی با نام «مقتل الحسین» نگاشته که به طور مستقل فعلاً موجود نیست؛ ولی بعید نمی نماید که بخشی از آن، همان مطالبی است که وی برای شاگردانش املا می کرده و تحت عنوان «امالی» اینک به دست ما رسیده است.البتّه مورخان دیگری مانند احمد بن ابی یعقوب اصفهانی معروف به ابن واضح یعقوبی، مورّخ و جغرافی دان و سیّاح مشهور مسلمان در اوایل سده سوم و ابو الحسن علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۵ ق) گزارش های فشرده و کوتاهی از نهضت و مقتل امام حسین علیه السلام بدون ذکر سند آورده اند که تعارضی با متون پیشین و معاصر خود ندارد.

آمیزه نقل و احساس در مقتل نگاری

در سده ششم هجری ابو المؤیّد خوارزمی (م ۵۶۸ ق)، با بهره گیری از هر دو دسته کتب روایی و تاریخی، کتابی مستقل و مفصّل با نام مقتل الحسین نگاشت که تاکنون بدون اختلافی در نسخ آن، مورد استفاده محقّقان و مقتل نگاران و مقتل خوانان بوده است.خوارزمی در بیشتر نقل ها، سلسله راویان خبر را نام می برد و در برخی موارد از ابو مخنف و بویژه از ابن اعثم کوفی یاد می کند. به هر حال مقتل خوارزمی از جمله مقاتل مستندی است که مؤلف با مطالعه کتاب های تاریخی و روایی آن را فراهم آورده است. به همین جهت نزد بسیاری از دانشمندان عامّه و خاصّه معتبر شناخته می شود. در همین دوره، ابو جعفر رشید الدین محمّد بن شهرآشوب (م ۵۵۸ ق) در کتاب مناقب آل ابی طالب ذیل عنوان مناقب امام حسین علیه السلام به نقل مقتل آن حضرت پرداخت. کتاب او نیز نزد محدّثان و مورّخان دارای اعتبار و همواره مورد

مراجعه بوده است.در سده بعد، علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن طاووس معروف به «سیّد بن طاووس» (م ۶۶۴ م) در پی کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر که شامل زیارات و آداب مربوط به آنهاست، کتابی درباره مقتل سیّدالشهدا فراهم آورد تا زائران حرم حسینی از ثواب ذکر مصائب آن حضرت محروم نمانند و نام آن را اللهوف علی قتلی الطفوف نهاد که در برخی نسخه ها «الملهوف علی قتلی الطفوف» نامیده شده است.سیّد بن طاووس به منظور رعایت ایجاز و اختصار، به نقل برخی از روایات بدون ذکر راویان و مصادر آنها پرداخته و البته گاه اشاره ای به ابن اعثم نموده است. به نظر می رسد، منبع بیشتر مطالب، کتاب الفتوح ابن اعثم کوفی باشد، هر چند روایات مشهور را نیز در نظر داشته است.آخرین حلقه این گونه مقتل نگاری مستند، کتاب مثیر الأحزان است که نجم الدین جعفر بن محمّد بن جعفر بن هبه الدین نمای حلی (م ۸۴۱ ق) مشهور به «ابن نما» آن را تألیف کرده و پس از آن ظاهراً تا چندین قرن این شیوه متروک مانده است.از سده دهم هجری، بابی جدید در مقتل نگاری و مقتل خوانی گشوده شد و امیال مادّی و اغراض سیاسی با عواطف و احساسات مذهبی پیوند یافت و مقتل سرایی را جانشین روایات تاریخی ساخت. شاید سر آغاز این نوع از مقتل نویسی، کتاب روضهالشهداء اثر ملا حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق) باشد.تذکره نویسان مذهب وی را مختلف نوشته اند؛ برخی او را شافعی، برخی حنفی و گروهی شیعه یاد کرده اند. او در بخشی از کتاب یاد شده، به ذکر مقتل امام حسین علیه السلام پرداخته و مطالبی

را در آن آورده که برخی ابداعی بوده است. اگر چه گهگاه از کتاب هایی چون کنز الغرایب و شواهد نام برده، ولی شماری از روایات آن در هیچ کتابی پیشینه نداشته است.کتاب روضه الشهداء که اصطلاح «روضه» پس از آن رواج یافته – چون به زبان فارسی ساده و شیرین نگاشته شده، مورد بهره گیری بسیاری از مداحان و روضه خوانان قرار گرفته و سر منشأ بسیاری از دروغ زنی ها و قصّه پردازی ها شده است.پس از وی، این مطالب به کتاب های روایی و تاریخی راه یافته و در آثار پسین به آنها استناد شده است.در سده یازدهم هجری، یعنی عصر صفویه، مقتل امام حسین علیه السلام در دو کتاب مقتل عوالم اثر عبداللّٰه بحرانی اصفهانی و بحارالأنوار تألیف محمّد باقر مجلسی با سبک و سیاقی مشابه، نگاشته شده است که برخی مطالب آن، از منابع کهن و برای برخی هم مآخذی به دست نیامده است.مجلسی بارها به کتابی به نام مقتل الحسین اثر محمّد بن ابی طالب استناد کرده است که دارای اخبار شاذ و نادری است؛ ولی هیچ نشانه ای از آن در منابع پیشین یافت نمی شود.در دوره قاجاریه، ملّا آقا شیروانی مشهور به «فاضل دربندی» (م ۱۲۸۶ ق) از شاگردان شریف العلماء مازندرانی کتابی با عنوان إکسیر العبادات فی أسرار الشهادات نوشت که بخش بزرگی از آن، درباره مقتل امام حسین علیه السلام است. فاضل دربندی با شور و احساسی فوق العاده به منظور گریاندن مردم بر مصائب امام حسین علیه السلام، کوشیده است با جمع آوری مطالب حزن آور، گوی سبقت را از دیگران برباید، هر چند که برخی مطالب آن سست و بی پایه است.

[۱۸] .محمّد تقی سپهر کاشانی نیز یک جلد از کتاب ناسخ التواریخ را به وقایع نهضت عاشورا و مقتل سیّدالشهدا اختصاص داد؛ ولی هیچ منبع و مأخذی را ارائه نکرد. شاید به همین جهت بوده که سیّد جمال الدین اسد آبادی خواندن آن را اتلاف وقت و جایز نمی شمرده است. [۱۹] .

بازگشت به مقتل نگاری مستند

در سده سیزدهم قمری، فرهاد میرزا فرزند عباس میرزا و نوه فتحعلی شاه قاجار که از شاگردان میرزا عیسی قائم مقام فراهانی «صدر اعظم» به شمار می آمد؛ در میانه سال های ۱۳۰۴ - ۱۳۰۳ قمری کتاب قَمقام زَخّار و صَمصام بَتّار (دریای ژرف و شمشیر برّنده) را نوشت. وی علّت تألیف آن را وجود اختلاف در روایات منقول و ورود تشبیهات و توضیحات شاعران و ذاکران در تاریخ عاشورا بیان کرد. زیرا از نگاه او «این امور به اندازه ای رواج یافته بود که شناخت صحیح از سقیم، جز برای عالم خبیر و نافذ بصیر ممکن نمی باشد».به همین سبب در صدد تألیف کتابی خالی از حشو و زواید، در احوال امام حسین علیه السلام از ولادت تا شهادت بر آمد تا آن که در سال ۱۲۹۳ قمری، به هنگام بازگشت از سفر حج، در دریای سفید میان قبرس و رود، طوفانی عظیم، دریا را متلاطم می سازد. او به امام حسین علیه السلام متوسل می شود و دوباره نذر می کند کتاب مقتل را به پایان برساند. از این رو، مقداری از تربت آن حضرت را بر دریا می پاشد. در پی آن دریا آرام می گیرد و با عافیت تمام، به مقصد می رسد. ولی باز هم گرفتاری های مختلف او را از این کار باز می دارد تا این که در سال ۱۳۰۳ قمری

گرد آوری و تصنیف آن را آغاز می کند. او در این باره می نویسد:خدای داناست که با قلّت بضاعت و عدم استطاعت، به قدر وسع و طاقت در ترجیح اقوال و تنقیح اخبار که متون کتب فرق اسلامیه از احادیث صحیحه و تواریخ معتبره، بدان محتوی و منطوی است، اغفالی نرفت و در جمع و ذکر آن اهمالی نیفتاد و از کتب محدّثین و مورّخین که از سنه یک هزار هجری و بعد از آن به رشته تألیف در آورده اند، درج و نقل نکردیم. [۲۰] .در سده چهاردهم قمری، مرحوم شیخ عباس قمی، معروف به «محدّث قمی» با همین روش، کتاب نفس المهموم فی مصیبه سیّدنا الحسین المظلوم را به زبان عربی تألیف کرد که البته از کتاب پیشین مهذّب تر و منقّح تر می نمود.در سده پانزدهم قمری، به سبب شکل گیری نهضت های سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام، توجّه به نهضت حسینی بیش از پیش گردید و بازنگری و تحقیق و تحلیل حوادث و وقایع مقتل سیّدالشهدا علیه السلام را امری ضروری نمود. از این رو، کتاب های بسیاری با برخورداری از روش های نوین پژوهشی و زبان و ادبیات نسل کنونی به رشته تحریر کشیده شد که تا حدودی می توانست نیازهای تازه را پاسخگو باشد.

تعارض تحریف گرایی و تاریخ نگاری

به موازات این سیر تکاملی مقتل نگاری، تحریف گرایی نیز کماکان ادامه یافت و چه بسیار آثاری به قلم آمد و چاپ و پراکنده گردید که جز وهن مذهب و انحراف از حقیقت، نتیجه دیگری در بر نداشت.علی رغم نگاه بد بینانه ای که برخی محقّقان تاریخ دارند و قدر متقن واقعه عاشورا را کشته شدن امام حسین علیه السلام در روز دهم محرّم به دست سپاهیان یزید

می داننـد و بقیّه مطالب منـدرج در تاریـخ را احتمالات می شـمارند، به نظر می رسد که این حادثه، از تمامی حوادثی تاریخی دقیق تر و مطمئن تر به ما رسـیده است؛ زیرا اوّلاً اغلب منابع از مجاری مطمئن فراهم آمـده انـد و ثانیاً بیشتر این منابع حداقل تا هفت قرن همسازگری دارند و مطالب متعارض و متناقض و تردید بر انگیز قابل توجّهی در آنها دیده نمی شود. و اگر مواردی هم گاه با معیارهای عقلی و تجربی ناسازگار می نماید، نشان از توصـیف های ادبی و عاطفی و ورود تشبیهات و استعارات در روایـات تـاریخی دارد.آمیزش خرافـات و مطـالب واهی با وقایع و حقایق تاریخی، سـبب پیـدایش دو جریان در تاریـخ پژوهی عاشورایی شده است:نخست: گسترش بد بینی و تردید افکنی حتّی در مسلّمات تاریخی؛دوم: رویکرد اصـلاحی، با بهره گیری از روش های علمی برای جدا کردن غث و سـمین.البتّه به قول ابوالفضل بیهقی: «چون صدق با کذب و غث با سـمین و صواب با خطا، امتزاج و اختلاط پـذیرد، تمییز عسر شود». [۲۱] .ایـن جـانب از دو دهه قبـل تـاکنون، در این جهت قلم زده و افزون بر مقالات و سـخنرانی ها، دو کتاب مقتل الشمس و تفسیر تاریخ سرخ حسینی را تقدیم علاقه مندان کرده ام. آنچه که وجه ممیّز این دو اثر با آثار پیشـین است، تلاشـی است که مؤلف برای زدودن غبار تحریف از وقایع عاشورا و تنقیح و تهذیب روایات به کار برده است؛ زیرا یافتن حقیقت از انبوه اجزای پراکنده روایاتی، که گهگاه با اجزایی از روایات دیگر ترکیب یافته، و اسامی مشابهی که سبب اختلاف روایات شده، به خصوص تفکیک حقیقت از مجاز در ادبیاتی که مشحون از کنایات و

ابهامات و استعارات است و گاه با احساسات و عواطف در آمیخته، کاری نه چندان آسان است؛ خصوصاً که بعدها مطالب فراوانی نیز به عنوان زبان حال به گونه ای روز افزون به رخدادها پیوند خورده است که مرز میان واقعیّت و خیال را به هم ریخته و برداشت های شخصی و پندارهای واهی را با روایات تاریخی به هم آمیخته است و معجونی ساخته که با ملاک های عقلی و علمی، ناسازگار می نماید. البته تلاش هایی برای حقیقت جویی و واقع نگاری به انجام رسیده است که الحق شایان ستایش است.

پاورقی

[۱] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۳۲.

[۲] ر. ک: تاریخ فخری، ص ۱۵۵؛ تجارب السلف، ص ۶۷.

[۳] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۵۳ و ۳۵۹.

[۴] الإرشاد، ص ۱۹۶.

[۵] اللهوف، ص ۱۹۱.

[۶] ر. ک: نگاهی نو به جریان عاشورا، ص ۲۰۱.

[۷] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۲۱.

[۸] همان، ص ۳۱۳.

[۹] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۴۷.

[۱۰] الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۵۵.

[۱۱] رجال النجاشی.

[۱۲] وقعه الصفین.

[۱۳] الفهرست، ابن ندیم، ص ۱۵۷ – ۱۵۸.

[۱۴] تاریخ طبری، ج ۱۳، ص ۳۶.

[۱۵] الفهرست، ابن ندیم، ص ۱۵۸.

[۱۶] الأمالی، صدوق، مجالس سی ام و سی و یکم.

[۱۷] الفتوح، ابن اعثم کوفی، فصل ششم.

[۱۸] برای آگاهی از شرح حال او، ر. ک: قصص العلماء، ص ۱۰۸؛ شرح حال رجال بامداد ایران، ص ۲۹۶.

[۱۹] سیّد جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت های اسلامی.

[۲۰] قمقام زخّار و صمصام بتّار، ج ۱، ص ۸، مقدّمه مؤلف.

[۲۱] تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، ص ۱۶.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹